

• دریافت ۸۹/۹/۳

• تأیید ۹۰/۳/۳۱

بررسی سبک شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی

محبوبه شمشیرگرها*

چکیده

هرچند صاحب‌نظران تعریف دقیق و صریحی از سبک و سبک‌شناسی ادبی به دست نداده‌اند اما با نگاهی کلی می‌توان آن را به عنوان روشی خاص برای ادراک و بیان افکار به وسیله الفاظ و واژه‌ها تعبیر کرد. در تحلیل سبکی یک متن عناصر آن مشخص و سپس پیوند و تأثیر متقابل آنها بررسی می‌شود. در این مقاله به بررسی سبک‌شناسانه گروهی از آثار ادبی با عنوان «حماسه‌های دینی» پرداخته می‌شود. از آنجا که هر اثر ادبی ضمن برخورداری از مشخصات فردی، در پاره‌ای صفات و ویژگیها با گروه آثار هم‌نوع خود مشترک است، در این روش سبک‌شناسی این امکان وجود دارد که به گروه آثار حماسه‌های دینی که از لحاظ موضوع و ژانر ادبی با هم مشترکند از یک دریچه نگریسته شود.

حماسه دینی یکی از اقسام حماسه است که در یک نگاه، زیر مجموعه حماسه تاریخی محسوب می‌شود و موضوع آن وصف دلاوریها و رشادتهای قهرمانان دینی و مذهبی است. تعداد این منظومه‌های غالباً دل‌انگیز و زیبا در ادب پارسی زیاد است و تاریخ سرایش قدیمی‌ترین آنها به قرن پنجم هجری برمی‌گردد. «علی‌نامه» کهن‌ترین منظومه حماسی شناخته شده است. «حملة حیدری» باذل و راجی و نیز «خاوران‌نامه» ابن حسام خوشقی از جمله مشهورترین این حماسه‌ها به شمار می‌آیند.

روش تحقیق در نگاشته حاضر، اسنادی و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا است. در این مقاله پس از ارائه توضیحاتی مختصر درباره «سبک‌شناسی»، «حماسه» و «حماسه‌های دینی»، به مطالعه سبکی این آثار به ویژه مشهورترین آنها هم‌ت گمارده شده است. نظر به لزوم توجه به سه سطح زبانی، فکری و ادبی در مطالعات سبک‌شناسی، در این بررسی نیز به جنبه‌های درونی و بیرونی منظومه‌های حماسی در سه بخش عمده «ویژگیهای معنایی و محتوایی»، «ویژگیهای زبانی و صوری» و «ویژگیهای ادبی و تصویری» پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها:

سبک، سبک‌شناسی، حماسه، حماسه‌های دینی، حملة حیدری، حملة راجی، خاوران‌نامه.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

مقدمه

گرچه اصطلاح سبک و سبک‌شناسی به فراوانی در بررسی‌هایی در حوزه نقد ادبی (Literary Criticism) به کار می‌رود اما تاکنون مفهوم دقیق و روشنی برای آن یافت نشده است و در ساده‌ترین حالت، سبک ادبی به روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و تعبیرات اطلاق می‌شود. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۵) سبک پژوهی با هدف کشف تناسب بارز عناصر سبکی زبان، در صدد پی‌بردن به ویژگیهای منحصر به فرد در بسامد، توزیع و پیوند عناصر سبکی است. (عبادیان، ۱۳۷۲: ۲۳)

با وجود تمایز سبکی آثار و پدیدآورندگان مختلف، هر اثر ادبی ناگزیر از قرار گرفتن در ترازوی مقایسه و حتی تلاقی با دیگر آثار است. به عبارت دیگر هر چند سبک‌شناسی به جنبه‌های فردی اثر ادبی توجه دارد اما برای اینکه سبک افراد یا آثار آنها شناخته شود ناگزیر به مشترکات ادبی اصیل و غالب آثار هم موضوع می‌پردازد. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۲) معمولاً نوع آثار و ژانر آنها زیربنای طبقه‌بندی گروهی در سبک‌شناسی قرار می‌گیرد. در این نوشتار به گروهی از آثار ادبی ذیل گروه «حماسه‌های دینی» توجه و برای بررسی‌های دقیق‌تر این منظومه‌ها، سه حماسه باذل، راجی و ابن‌حسام به عنوان نمونه انتخاب شد.

بر اساس یکی از رویکردهای سبک‌شناسی، ویژگیهای یک اثر با ویژگیهای یک یا چند اثر، به لحاظ انحراف از اسلوب معیار مقایسه می‌شوند. در این رویکرد که به نقد ادبی بسیار نزدیک می‌شود هرچه ویژگیهای اثر مورد نظر به اثر معیار نزدیک‌تر باشد، سبک آن مطلوب‌تر است. این رویکرد در حوزه حماسه‌های ایرانی نمود پررنگ‌تری دارد چراکه در این حوزه، شاهنامه فردوسی در طول تاریخ ادبی به عنوان شاهکار فاخر، پذیرفته شده و ویژگیهای سبکی آن در بررسی سبکی حماسه‌های دیگر به عنوان مختصات اصیل حماسه تلقی می‌شود و دیگر آثار با آن مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند. چنانچه در ادامه خواهد آمد به بسیاری از ویژگیهای حماسه‌های دینی از طریق مقایسه آنها با شاهنامه پی برده شده است.

حوزه بررسی و نقد حماسه‌های دینی از جمله مقولاتی است که متأسفانه از پیشینه تحقیقات گسترده و پژوهشهای پایه‌ای به دورمانده و کتب قابل توجهی در این زمینه تألیف نشده است. با این حال دکتر حسین رزمجو، دکتر شفیعی‌کدکنی و استاد علی کاشف‌خوانساری در شمار بزرگانی هستند که بیش از دیگران در این زمینه پژوهش کرده و در پاره‌ای از نوشته‌های خود به این مقوله پرداخته‌اند. روش تحقیق در نوشته حاضر، اسنادی و با بهره‌گیری از روش تحلیل

محتوا است؛ ضمن آنکه در این بررسی سعی بر آن است تا ویژگیهای بارزتر این نوع ادبی به صورت کلی نمایانده شود؛ چراکه بررسی دقیق سبک هر یک از حماسه‌های دینی مجال بس فراخ می‌طلبد. امید آنکه به زودی پژوهشهای ارزنده‌ای در این باره انجام گیرد.

مختصری درباره حماسه

«حماسه» بر وزن «شجاعه» به معنای دلاوری است. حماسه در اصطلاح ادب فارسی که معادل Epic انگلیسی و معادل یونانی آن Epos است، چنین تعریف می‌شود: «حماسه روایت ادیبانه عمل فوق‌العاده قهرمانان در جستجوی آرمانی سترگ در ظرف سبکی فخیم است و ساختاری نمادین، پرابهام و سراسر رمز و راز دارد و باورهای اسطوره‌ای در آن شنیده شده است. این حادثه پرشکوه و جلال غالباً به مدد نیروهای غیرطبیعی پهلوانان یا قهرمانان رخ می‌دهد و عموماً در طلب نوعی جاودانه‌خواهی و در سایه جبری آسمانی صورت می‌گیرد. این جلال با بیانی پرکشش همراه است و می‌تواند درونی و انفسی یا بیرونی و آفاقی باشد. حماسه درونی تصویر کشش قهرمان با ضد قهرمان است. از حیث اصول و معیارهای ادبی این تصویرگری هرچه مطلوبتر و پرآب و تاب‌تر باشد پسندیده‌تر است. مهمترین ویژگیهای سبکی حماسه‌ها عبارتند از: ۱- غلبه تشبیه بر استعاره ۲- حضور کنایه در کنار تشبیه ۳- نمادین بودن ساختارها ۴- تسلط مطلق اغراق و مبالغه ۵- ساختارهای طولانی و بسط یافته همراه با اطناب ۶- ورود برخی جنبه‌های حکمی و گاه بزمی ۷- فخامت کلام ۸- توصیف عینی و مستقیم پدیده‌ها ۹- تصویرسازی‌های وسیع ۱۰- به‌کارگیری فراوان عناصر طبیعت ۱۱- حضور پررنگ واژگان زمخت و خشن.» (قبادی، ۱۳۸۶: ۷۳)

پژوهشگرانی که به نوع ادبی حماسه پرداخته‌اند، اقسام متفاوتی را از آن عرضه کرده‌اند. صرف‌نظر از اختلافات جزئی، غالب آنان حماسه را شامل سه نوع حماسه‌های اساطیری، حماسه‌های دینی و حماسه‌های تاریخی دانسته‌اند. در این مقال تنها به یکی از انواع آن با عنوان «حماسه‌های دینی» می‌پردازیم:

حماسه‌های دینی

با اندکی تسامح می‌توان منظومه‌هایی را که در اصطلاح حماسه دینی خوانده می‌شوند،

زیرمجموعه‌ای از حماسه‌های تاریخی به حساب آورد. چرا که ممکن است موضوع حماسه تاریخی، تاریخ زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی و وصف رویدادها و دلاوریهای او باشد که با توجه به حقایق تاریخی و آمیختن آنها با عناصر و قوالب داستانی به وجود آمده است. اما موضوع اینگونه حماسه‌ها گذشته از حماسه‌های تاریخی، صرفاً وصف دلاوریها و رشادتهای بزرگان دینی است. وجه تمایز اصلی اینگونه حماسه‌ها با حماسه‌های تاریخی آن است که حماسه‌های تاریخی غالباً با رمانهای تاریخی قابل مقایسه‌اند درحالی‌که برخی حماسه‌های دینی با رمانسها تناسب بیشتری دارند.

این منظومه‌ها که بر اثر استادی و اعتقادات سرشار دینی سراینده‌گان آنها گاه بسیار دل‌انگیز و زیبا سروده شده‌اند، دارای ویژگیهایی هستند که در شمار خصایص منظومه‌های حماسی به حساب می‌آیند بنابراین به «منظومه‌های حماسی دینی» موسوم شده‌اند.

پیدایش این حماسه‌ها از سابقه‌ای بس دیرین برخوردار است. همچنین این حماسه‌ها تنها به دین اسلام تعلق ندارد؛ به‌عنوان مثال «ارداویرافنامه» و «موسی‌نامه» را می‌توان - صرف‌نظر از نوع منثور یا منظوم - از حماسه‌هایی دانست که به نقل روایاتی حماسی در حوزه ادیان زرتشتی و یهودی می‌پردازند. «ارداویرافنامه» یا «ارداویرازنامه» کتابی است که به‌ویژه به دنیای پس از مرگ و باورهای زردشتیان در این مورد می‌پردازد. «ویراف» یا «ویراز» شخصیت اصلی، پس از نوشیدن می و مگ به معراج می رود و کتاب شرح مشاهدات وی در بهشت، برزخ و دوزخ است. هرچند گفته می‌شود اصل کتاب به زمان انوشیروان مربوط می‌شود، تألیف نهایی آن احتمالاً به قرن چهارم یا پنجم هجری بازمی‌گردد. (عفیفی، ۱۳۷۲: ۳۶) «موسی‌نامه» نیز روایت گونه‌ای حماسی از رخدادهای زندگی حضرت موسی (ع) و قوم بنی اسرائیل است که در قرن نهم هجری توسط معین الدین فراهی نوشته شده است.

همانطور که گفته شد هرچند حماسه‌های دینی تنها به دین اسلام اختصاص ندارد اما بیشتر این آثار به این حوزه دینی تعلق دارد. پس از آنکه ایرانیان و مردم این سرزمین، دل و دین به رسالت محمدی سپردند و حب و ولای خلیفه او را به جان خریدند و مذهب شیعه و دوستی دوستان اهل بیت و برات از دشمنان علی و آل او را در سینه جای دادند، با ترکیب این روحیه و پیشینه ظفرمندی و روح شور و حماسه‌گری باستانی و نیز ضمیر ادبی پاک و صیقل‌خورده که از اجداد و نیاکان پشت به پشت به آنها منتقل شده بود، به خلق حماسه‌هایی با مضمون دینی و در مدح و نعت پیامبر(ص) و حضرت علی (ع) و وصف وقایع تاریخی و وصف رشادتهای آنان در

میدانهای مبارزه دست زدند. وقایع شگفت‌آور عظیم دینی موجب ظهور خلاقیت‌های هنرمندان و شاعران برای آفرینش حماسه‌های دینی شد. شاعران ایرانی از آبخوره‌های اولیّه و عناصر حماسه‌ساز که در لابلای متون دینی به وفور یافت می‌شود بهره گرفته و به پردازش ادبی و هنری آنها همت گماشتند و در نهایت با بهره‌گیری از جاذبه‌های معنوی و هنری قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در فرآیند تبدیل حادثه به اثر ادبی پرشکوه حماسه، سرمایه‌های اولیّه دینی و تاریخی را به صورت آثار گرانسنگ حماسی عرضه کردند. اینکه هریک از آنها برای تحقیق این امر از چه شگردهایی استفاده کرده‌اند، امری است که بخشی از آن در این مقال بررسی خواهد شد.

تعداد حماسه‌های دینی که در طول تاریخ ادب پارسی خلق شده کم نیست اما از آنجا که این مجال کوتاه و درخور ذکر مفصل تمام آنها نیست به ذکر مشهورترین آنها به ترتیب زمانی خلق اثر، می‌پردازیم:

۱. **علی‌نامه:** اخیراً دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی به میکروفیلمی از نسخه‌ای ناشناخته از حماسه‌ای منظوم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به نام «علی‌نامه» دست یافتند که اصل آن متعلق به کتابخانه موزه قونیه است. این اثر در سال ۱۳۷۹ ش. در مقاله‌ای با عنوان «حماسه شیعی از قرن پنجم» توسط ایشان معرفی و برای نخستین بار در سال ۱۳۸۸ ش. منتشر شد.

۲. **خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی:** شمس‌الدین محمد بن حسام‌الدین بن محمد خوسفی یا قهستانی از شاعران معروف شیعی سده نهم هجری و متخلص به «ابن حسام» است. «خاوران‌نامه» منظومه‌ای شامل بیست و دو هزار و پانصد بیت به وزن متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی است که نظم آن در سال ۸۳۰ ق به پایان رسیده است. این منظومه به شرح غزوات، رشادتها و دلاوریهای حضرت علی(ع) پرداخته و موضوع اصلی آن به سفرها و جنگهای ایشان در سرزمین خیالی خاوران اختصاص دارد.

۳. **جنگنامه علی(ع):** این منظومه که بخشی از آن به بحر متقارب و بخشی دیگر در قالب قصاید مفصل سست منظوم شده، احتمالاً از آن آتشی شیرازی - معروف به آتشی خیّاز - شاعر قرن دهم هجری است. موضوع جنگنامه علی(ع) که از لحاظ جنبه‌های حماسی فاقد ارزش ادبی است، شرح جنگهای خیالی است که به امام علی(ع) نسبت داده شده است.

۴. **شاهنامه حیرتی (تونی):** این منظومه حماسی که برخلاف سایر حماسه‌های ملی، تاریخی و

مذهبی منظوم، به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف به سلک نظم درآمده، از ملاحیرتی تونی (وفات ۹۶۱ق) از شاعران دربار شاه تهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴هـ ق) است. موضوع شاهنامه حیرتی شرح غزوات نبی اکرم (ص) و زندگی ائمه (ع) و تعداد ابیات آن بیست هزار و هشتصد بیت است.

۵. **غزوانامه اسیری**: غزوانامه منظومه حماسی دینی، به بحر متقارب و در شرح غزوات پیامبر اکرم (ص) است که توسط شاعری به نام اسیری، معاصر شاه تهماسب اول صفوی، به سلک نظم درآمده است.

۶. **صاحبقران نامه، سروده شاعری گمنام**: صاحبقران نامه، منظومه‌ای است که در عهد صفویه به سال ۱۰۷۳ هجری در بحر متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی درباره جنگهای حمزه بن آذرک شاری معروف به حمزه بن عبدالله خارجی (وفات ۲۱۳هـ ق) حکمران سیستان با سپاهیان خلیفه هارون الرشید در ایران و هند با شاهان آن دیار، به سلک نظم کشیده شده است.

۷. **حملة حیدری باذل**: بسیاری از حماسه‌های دینی ذیل نام عام «حملة حیدری» می‌گنجند. چنانکه بیش از ده شاعر پس از باذل منظومه‌های حماسی خود را به این نام آراستند. نخستین شاعری که این نام را برای منظومه حماسی با موضوع وصف دلاوریها و رشادتهای حضرت علی (ع) برگزید، میرزا محمد رفیع مشهدی شاه جهان آبادی متخلص به «باذل»، شاعر مشهور قرن دوازده هجری بود. معروف‌ترین سروده باذل «حملة حیدری» است. او حملة حیدری را در قالب مثنوی و به تقلید از وزن شاهنامه در بحر متقارب سرود و تقریباً پنجاه سال را صرف سرودن این منظومه کرد.

۸. **دلگشای سروده غلامعلی آزاد بلگرامی**: موضوع این منظومه حماسی که به سال ۱۱۳۱ هجری توسط ادیب نامور قرن دوازدهم و از پارسی‌گویان مقیم اورنگ آباد هند، میرزاغلامعلی آزاد بلگرامی (۱۱۱۶-۱۲۰۰هـ ق) در بحر متقارب به سلک نظم درآمده، شرح قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی است.

۹. **خداوندنامه فتحعلی خان صبا**: فتحعلی خان صبا کاشانی (وفات ۱۲۳۸ق) - ملک الشعراء دربار فتحعلی شاه قاجار - صاحب منظومه «خداوندنامه» است که آن را به تقلید از استاد فرزانه توس در مدت سه سال و در حدود سی هزار بیت به بحر متقارب در شرح احوال پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) سروده و از این جهت آن را مفضلترین اثر حماسی دینی در قلمرو ادب فارسی دانسته‌اند.

۱۰. **حملة حیدری راجی کرمانی:** از جمله شاعرانی که پس از باذل به سرودن **حملة حیدری** پرداخت، راجی کرمانی بود که پس از اثر باذل معروف‌ترین حماسه دینی در ایران به حساب می‌آید.

مرگ راجی بین سالهای ۱۲۳۷ق تا ۱۲۴۱ق دانسته شده است. راجی منظومه خود را به تقلید از شاهنامه فردوسی و **حملة باذل**، در قالب **مثنوی**، در بحر **مقارب** **مثن** مقصور و در سی هزار بیت سروده است. اگر **حملة حیدری باذل** وقایع مربوط به دوران پیامبر را نقل می‌کند، **حملة حیدری راجی** برخلاف آن با تولد امیرالمؤمنین (ع) آغاز شده و با تفصیل بیشتری به شرح اتفاقات می‌پردازد.

۱۱. **اردیبهشت‌نامه سروش اصفهانی:** این کتاب که از حماسه‌های دینی دوران بازگشت ادبی است توسط سروش اصفهانی (۱۲۸۵-۱۲۲۸ه.ق.) از شاعران دربار ناصرالدین شاه قاجار در شرح احوال حضرت محمد (ص) و امامان شیعه (ع) از حضرت علی تا امام عصر (عجل الله فرجه) سروده شده است. مهمترین بخش حماسی این اثر شرح جنگهای بدر و احد و دیگر غزوات پیامبر است.

۱۲. **جنگ‌نامه محمد حنیفیه و داستان علی اکبر:** این اثر در قالب **مثنوی** بر بحر **مقارب** و در بیان دلاوریهای محمد بن حنیفیه توسط محمدطاهر شاعر (عامل) قرن سیزده هجری سروده شده است.

۱۳. **مختارنامه، سروده عبدالرزاق بیک دنبلی - متخلص به مفتون:** عبدالرزاق بیک بیگلربیگی دنبلی (متوفی ۱۲۴۰ه.ق) از شاعران و فاضلان قرن سیزده هجری است که **مثنوی** مختارنامه را به بحر **مقارب** و با موضوع گزارش جنگهای مختار بن ابی عبیده ثقفی افزون بر پنجاه هزار بیت سروده است.

۱۴. **افتخارنامه حیدری:** منظومه «افتخارنامه حیدری»، در بحر **مقارب** و بالغ بر هجده هزار بیت توسط افتخارالعلما متخلص به «صهبا» از شعرای قرن سیزده و چهارده ه.ق به نظم درآمده است. موضوع این منظومه همچون منظومه‌های قبلی، بیان جنگهای علی بن ابیطالب (ع) است. (رزمجو ۱۳۸۱ ج ۱: ۱۶۰-۱۲۰)

پس از ذکر مقدماتی در باب منظومه‌های حماسی دینی، اکنون ویژگیهای این دسته از آثار بررسی می‌شود. در این مقاله به مجموع جنبه‌های درونی و بیرونی این منظومه‌ها - که در بررسی سبک‌شناسانه، گریزی از توجه به هر دوی آنها توأم نیست - در ذیل توجه به سه بخش

عمده «ویژگیهای معنایی و محتوایی»، «ویژگیهای زبانی و صوری» و «ویژگیهای ادبی و تصویری» خواهیم پرداخت. هر چند تعداد حماسه‌های دینی زیاد است اما نظر به لزوم محدود کردن دایره تحقیق به مصادیق مهمتر تا حد امکان، بر آن شدیم از میان آنها به سه اثر معروفتر حمله حیدری باذل، حمله حیدری راجی و خاوران‌نامه ابن حسام بیشتر پردازیم که البته حماسه‌های دیگر نیز کمابیش با تاسی به شیوه سرایش این منظومه‌ها، در ویژگیهای سبکی آنها مشترکند.

در وجه انتخاب این سه منظومه باید گفت علت گزینش حمله حیدری و باذل آن است که در سرایش و حتی نامیدن منظومه‌های حماسی در میان شاعران، نظر خاصی نسبت به «حمله حیدری» وجود داشته است. این منظومه‌ها با اقبال عمومی همراه بوده است؛ به طوری که حمله خوانی به صورت یک سنت و رسم در محافل نقالی اجرا می‌شده است. از این رو شعرای زیادی به حمله سرایی گرایش داشتند. از میان این حمله‌ها، مفصلترین آنها «حمله حیدری باذل» انتخاب گردید و از آنجا که «حمله راجی» در واقع به منزله ادامه و تکمیل اثر باذل به حساب می‌آید، این منظومه نیز به عنوان بخشی از دامنه این بررسی، برگزیده شد. علاوه بر این دو منظومه که تقریباً به نقل حوادث تاریخی می‌پردازند، مناسب دیده شد که یک نمونه از حمله‌هایی را که به نقل روایتهای تاریخی - خیالی پرداخته نیز مورد توجه قرار دهیم. «خاوران‌نامه» به جهت تفصیل و شهرت بیشتر برگزیده شد، ضمن آنکه با بررسیهای اولیه مشخص شد علاوه بر ارزش ادبی نسبتاً بالاتر، بسیاری از ویژگیهای بارز سبکی که گاه به پراکندگی دردیگر حماسه‌های دینی دیده می‌شود، تقریباً به صورت یکجا در این سه منظومه وجود دارد.

۱- ویژگیهای معنایی و محتوایی

بازتاب اعتقادات و باورهای مذهبی

یکی از ویژگیهای محتوایی حماسه‌های دینی بازتاب اعتقادات و تعلقات عمیق مذهبی شاعران در آنهاست و این چیزی است که در حماسه‌های ملی دیده نمی‌شود. شاعر حماسه سرای ملی خوش نمی‌داشت که اعتقادات دینی خود را در میان کلام ادبی خود برملا سازد و یا به جنبه‌هایی که مستقیماً نشان دهنده باورداشت اوست پردازد. اما شاعران حماسه‌سرای دینی از هر فرصتی بهره می‌گیرند تا اعتقاد عمیق در باب راستی دین برگزیده خود و برتری بزرگان سپاه حق بر سپاه باطل را بیان داشته و جلوه‌هایی از این نورانیّت و حقیقت را به تصویر بکشند. مثلاً در

حماسه راجی می‌توان به نورانی شدن رزمگاه با تابیدن نور رخ حضرت علی(ع) اشاره کرد:

چه نور رخس گشت تابان ز دور
همه رزمگه گشت لبریز نور
جهان روشن از نور سیمای او
به گیتی نه کس بود همتای او
چو نور رخس در حرم تافته
حرم نور از رای او یافته
(حملة راجی/ص ۲۴۳)

برخورداری از قابلیت نمایش

برخورداری از زبان روایی حماسه‌های دینی از سویی و علاقه هنرمندان نقال و حکایتگران مذهبی به نقل روایات بزرگان دینی از سوی دیگر باعث شد که پس از گذشت زمانی کوتاه حماسه‌های دینی به صورتهای مختلف در محافل و مناسبتهای مختلف به نمایش درآیند و به اشکالی نظیر تعزیه‌خوانی یا نقالی‌گری برای عموم شیعیان دلداده ارائه شوند.

یادآوری این نکته ضروری است که تنها متنی به اصطلاح نمایشی است که به سادگی بتواند به بیان تئاتری ترجمه و تبدیل شود و به صورت نمایش درآید. چنین متنی باید از حس و حرکت نمایش برخوردار باشد؛ داستان را از آغاز تا میان و از میان تا پایان پیش برد؛ حال و هوای نمایش را داشته باشد و در آن زمان و مکان مفهوم داشته باشد. در حماسه‌های دینی نظیر اثر باذل و راجی و ابن حسام خوسفی، با صرف‌نظر از برخی توصیفات طولانی و تکراری و کشدار که با نمایشی بودن در تضاد است، ویژگیهایی که باعث می‌شود یک اثر، قابلیت نمایش پیدا کند وجود دارد. البته برتریهای ادبی - نمایشی حمله حیدری راجی نسبت به اثر باذل و ابن حسام غیرقابل انکار است؛ چرا که او در مقایسه با باذل و ابن حسام از طبعی روان‌تر، سلاست کلامی بیشتر و طریق نمایشی نویسی کارآمدتری برخوردار است. شعر او ساده، روان و گویاتر و لذا برای نمایش مناسب‌تر از شعر دیگران به نظر می‌آید.

ضمن اینکه در این حماسه‌ها درونمایه‌های نمایشنامه‌ای به وفور یافت می‌شود. مثلاً شرح خواستگاری حضرت علی(ع) از حضرت فاطمه(س) در حمله راجی و باذل از درونمایه‌هایی است که توجه بسیاری از علاقه‌مندان نمایش‌خوانی و نقالی را به خود جلب کرده است.

به‌کارگیری مفاهیم آیات و روایات و یا الفاظ آنها

از آنجا که آبخور حماسه‌های دینی نصوص دینی و مذهبی است و سراینندگان آنها نیز به متون

و شخصیت‌های مذهبی تعلق خاطری بس عظیم داشته‌اند و همچنین به خوانندگان آثار خود به‌عنوان مخاطبینی دین‌مدار و محبّ اهل بیت عنایت می‌ورزیده‌اند، بنابراین هر جا که سخن و بافت آن را مناسب یافته‌اند به نقل روایت‌های اهل بیت (ع) و آیات قرآنی به صورت عینی و ضمنی پرداخته‌اند:

حکیم این جهان کشتزاری نهاد
ز بهر تو آن را شماری نهاد
گرت خرمنی هست فردا به کار
بکش رنج و امروز تخمی بکار
زمین مزرع سبزی فردای توست
درختی برآور که زیبای توست
(خاوران‌نامه/ص ۲۹)

خروش از زمین رفت بر آسمان
پرآوازه گردید کون و مکان
که یار نبی شد علیّ علا
عیان گشت آثار «قالوا بلی»
(راجی/ص ۱۰۳)

درون‌گرایی همگام با برون‌گرایی

پیوندگونه حماسه، غنا و عرفان در اشعار سراینندگان حماسه سرای دینی، افزون بر آبخورهای شعر فارسی می‌تواند جنبه دیگری نیز داشته باشد. بنابر آنچه از ظواهر امر بر می‌آید آدمی زودتر از آنکه به وصف حوادث خارجی و اجتماعی بپردازد خود را با سروده‌های مذهبی و عشقی مشغول می‌دارد. حماسه‌سرایان دینی اگرچه در بیان حوادث تاریخی منظوم، ناگزیر از پرداختن به حوادث عینی و رویکرد برون‌گرایانه بوده و از این جهت به مضمون و زبان حماسه نزدیک می‌شوند؛ اما توجه به مضامین و اندیشه‌های خداپاورانه و عرفان‌گرایانه را که در پی بیان آن هستند، هرگز از پیش چشم خود دور نمی‌کنند و از این جهت در حیطه مکتب درون‌گرایی قدم می‌گذارند.

درون‌مایه‌های معمول حماسه‌های دینی

در حماسه‌های دینی مضامین و درون‌مایه‌های مشترک فراوانی یافت می‌شود که البته ذکر این نکته ضروری است که برخی از این ویژگیها تنها مخصوص حماسه‌های دینی نیست و از جمله

ویژگیهای مشترک حماسه‌های ملی و دینی به حساب می‌آید. پرسامدترین ویژگیهای حماسه‌های دینی عبارتند از:

اهمیت نام و نام پوشی

در تمام انواع حماسه، اعم از ملی، تاریخی و دینی پهلوان معمولاً نام خود را به دشمن نمی‌گوید. چنانکه رستم اسم خود را به سهراب نگفت. از آنجا که حماسه‌های دینی از حماسه‌های ملی اثر پذیرفته‌اند، این بن‌مایه نیز در آنها راه یافته است. به عنوان مثال هنگامی که یکی از سپاهیان روم در جنگ موته نام جعفر طیار را از او می‌پرسد، جعفر نام خود را از او پنهان می‌کند:

نخستین بپرسید نام تو چیست تراخویش و پیوند از اعراب کیست؟
چنین داد پاسخ که نام و نشان چه پرسی که بر تو سرآمد زمان؟

(حملة راجی/ص ۲۲۴)

در حمله باذل و خاوران‌نامه، نام پوشی به نحوی که در حمله راجی بازتاب یافته، نمود ندارد اما نام پهلوانان برای یکدیگر مهم است و قبل از نبرد از نام و نشان یکدیگر می‌پرسند. مثلاً هنگامی که عتبه و ولید و شیبه به میدان نبرد آمدند و هم‌اورد طلبیدند پیامبر سه تن از انصار را که از نبرد آگاه بودند به رزم آنها فرستاد. عتبه اول اسم آنان را پرسید و پس از آگاهی از اسم و رسم آنان از جنگیدن صرف‌نظر کرد:

از آن هر سه تن عتبه نامور ز نام و نسبت جست اول خبر
بگفتند انصار دینیم ما ز مردان یثرب زمینیم ما

(حملة باذل/ج ۱/ص ۵۰)

تکبیر

سر دادن ندای «الله اکبر» پس از پیروزی سپاه اسلام یکی از ویژگیهای محتوایی حماسه‌های دینی است که در حماسه‌های ملی دیده نمی‌شود. برای مثال در حمله راجی پس از پیروزی پیامبر در جنگ بدر دو تن از عموهای ایشان عباس و عقیل به دین اسلام آمدند و مسلمانان از شادی پیروزی تکبیر گفتند:

زهر گوشه‌ای بانک تکبیر خواست که زمین کار شد پشت اسلام راست
که عم تبار رسول خدای سوی دین بدین گونه پیمود رای

(حملة راجی/ص ۲۵۳)

بازل نیز در ترسیم جنگ مویه هنگام حمله رومیان، صدای الله اکبر را در میان نبرد
طنین‌انداز می‌کند:

جلو داده اسبان رهوار را علم کرده شمشیر خونبار را
شتابان چو برروی آتش سپند صداهای تکبیر کرده بلند
(حمله باذل/ج ۲/ص ۱۰۵)

جنگ تن به تن

از دیگر مضامین متداول در حماسه‌ها، رخداد برخی جنگها بین پهلوانان به صورت تن به تن است که این حالت معمولاً در آخر مبارزه پیش می‌آید. در این نوع نبردها غالباً از سلاح‌هایی نظیر شمشیر، خنجر و خشت استفاده می‌شود. پهلوانان در نهایت از مرکب پیاده شده و کشتی می‌گیرند. در دو حماسه راجی و باذل پهلوانان سپاه اسلام و کفر قبل از آغاز نبرد به جنگ تن به تن با یکدیگر می‌پردازند که در ضمن این عمل بسیاری از ویژگیهای محتوایی دیگر نظیر مفاخر، رجز، ترس و بیم، دلاوری، تدبیر، چاره‌اندیشی و ... آشکار می‌شود. نمونه این درون‌مایه جنگ تن به تنی است که بین عبیده و شبیه رخ می‌دهد:

چو شیران جنگی به هم تاختند به هم تیغ و گرز و سنان آختند
کشیدند بر یکدیگر تیغ تیز نه این راشکست ونه این راگریز
زیس طعنه زد آن بر این بر آن بفرسود شمشیر و گرز گران
گهی این به سر بر کشیدی سپر گهی آن زدی تیغ تیزش به سر
(حمله راجی/ص ۵۸)

حضور ملائکه

از دیگر مضامین رایج در حماسه‌های دینی خصوصاً در آثار باذل و راجی حضور فرشتگان و اثر و درک حضور و مدد نیروهای غیبی و متافیزیکی آنان است که از جانب حق برای کمک رساندن به سپاه اسلام نازل می‌شدند. در غزوه احد هنگامی که مشرکین کار جنگ را بر رسول خدا سخت کردند. گروه ملائکه فوج فوج از آسمان به یاری مسلمانان شتافتند:

ز درگاه حق اذن درخواستند به خفتان و جوشن تن آراستند
رسیدند از آسمان به زمین به یاری و امداد دارای دین
خروشان و جوشان چو دریای موج رسیدند از آسمان فوج فوج
(حمله راجی/ص ۱۲۹)

خرق عادت

یکی دیگر از ملزومات حماسه - اعم از دینی و غیر آن - جریان یافتن حوادثی است که با منطق علمی و تجربی سازگاری ندارد. اما این رویدادهای غیرطبیعی و بیرون از نظام عادت در حماسه‌هایی که پهلوانان آن از میان بزرگان دینی و معنوی هستند در بستر اعجاز و کرامت به راحتی انجام می‌گیرد؛ چرا که هر عملی که خارج از نظام قاعده‌مندی جهان انجام گیرد، از رهگذر عقاید فرامادی گرایانه انسان دین‌مدار قابل توجیه است. هنگامی که سپاهیان رسول خدا(ص) به خیبر رسیدند، راهی برای ورود نیافتند. پس رسول خدا سرنیزه خود را به کوه خارا نهاد و کوه به رسول خدا راه داد تا از آنجا گذشته به خیبر رسیدند:

سرنیزه بر کوه خارا نهاد سرکوه بر پای او افتاد
سرنیزه‌اش چون دل کوه سفت دل کوه خارا چو گل برشگفت
بر آن کوه خارا دهی باز شد کزان و جهان پر ز آواز شد
(حملة راجی/ص ۱۴۶)

خواب و رؤیای صادقانه

از جمله مضامین رایج در حماسه‌ها - اعم از دینی و غیر آن - رؤیای صادقانه است. یکی از نمودهای اعتقاد شاعران حماسه‌سرای دینی به رؤیای صادقانه، روشن بودن ارتباط روحانی حضرت علی(ع) با پیامبر(ص) در خواب است. هرگاه گره و ابهامی در کارزار پیش می‌آید پیامبر خدا طریق گشایش و رفع آن را در خواب بر علی(ع) می‌نمایند. در خاوران‌نامه علی(ع) پیامبر را بارها در خواب می‌بیند و این رؤیاها به صورت یک روند نسبتاً منظم، خواننده را به وجود و الزام خود عادت می‌دهند. همه این رؤیاها به نحوی بسیار طبیعی، حقیقی و مثبت اتفاق می‌افتد و اکثر آنها در پی ایجاد یک گره کور جنگی، گم شدن یکی از سرداران اسلام و یا طولانی شدن جریان مبارزه رخ می‌دهد. برای مثال، به نقل ابن حسام شبی حضرت علی(ع) پس از یک روز مصاف سخت طولانی و بی‌نتیجه رؤیایی چنین می‌بیند:

سحرگه زمانی فروشد به خواب بیاسود تا شعله زد آفتاب
به خواب اندرون مصطفی را بدید به شب آفتاب صفا را بدید
(خاوران‌نامه/ص ۹۸)

حضرت علی(ع) از علت ناکامی در جنگ می‌پرسد و حضرت رسول(ص) او را چنین دلداری می‌دهد:

بر او گر نشد تیغ تو کارگر
هنوزش زمانه نیامد به سر
مخور غم دل خویش را شادکن
روان را ز بند غم آزاد کن
که فرجام کار تو پیروزی است
ز پیروزیست روز به‌روزی است
(خاوران نامه/ص ۹۹)

دعوت به دین

یکی از موتیف‌های خاص حماسه‌های دینی - با توجه به تعالیم دین اسلام که هدف از جنگیدن را که هدایت کفار می‌داند - دعوت به دینداری و راه راست پیشه کردن در ابتدای نبرد است. چنانکه به ترسیم باذل، حضرت علی(ع) قبل از نبرد با عمرو او را به اسلام دعوت می‌فرماید:

شه دین بگفتا که خواهم نخست
به دین اندر آیی کمر بسته چست
شناسی کسی را که کردت پدید
به تن جان به بازوت زور آفرید
(حمله بازل/ج ۱/ص ۷۴)

رجز خوانی

از دیگر مضمونهای رایج در حماسه‌های دینی و غیر آن، رجز خواندن قهرمانان در میدان مبارزه است که معمولاً با عنصر «اغراق» همراه می‌شود و نمود آن غالباً در جنگهای تن به تن است. برای مثال «مرحب» در ابتدای جنگ چنین فریاد برمی‌آورد:

هم‌آورد خود را چو مرحب بدید
رجز خواندن آغاز و سربرکشید
منم گفت مرحب بزرگ گروه
که داند مرا خییبر و پشت و کوه
هژیبر پلنگ ازدها و نهنگ
مرا می‌شناسند در دشت و کوه
بگردد ز محم سپهر برین
طپید زیر تیغم چو بسمل زمین
مرا در جهان کس هم‌آورد نیست
اگر هست آمد بینم که کیست
(حمله بازل/ج ۱/ص ۱۵۳)

شهادت

یکی دیگر از ویژگیهای مختص و برجسته حماسه‌های دینی جلوه زیبای مرگ سرافرازانه سپاهیان حق و پهلوانان جبهه اسلام در میدان مبارزه است. بسیاری از شخصیتها مثل امام حسین(ع)، قاسم، عبیده، زید و... به شهادت می‌رسند و شاعر را کمک می‌کنند تا به این مناسبت

به سرایش ابیاتی درباره فضیلت مرگ سرخ و عزت و جان‌بازی در راه معبود پردازد.
 بود در ره دوست سرباختن به از سر ز تن‌ها جدا ساختن
 به خون درکشیدن تن خویشتن بسی به که پوشی به تن را کفن
 (حملة راجی/ص ۱۴۸)

در واقع اگر در حماسه‌های ملی کشته شدن در راه آرمانهای میهن‌پرستانه و پهلوان‌منشانه موجب افتخار و سربلندی به حساب می‌آمد، در حماسه‌های دینی خشنود ساختن دوست و کشته شدن در راه اعتلای اهداف دین افتخارآفرین تلقی می‌شود.

عنصر زمان و مکان

حماسه‌های ملی صورت تحول یافته و دگرگون شده اسطوره‌ها هستند و چون در اسطوره ابهام زمان و مکان به عنوان یک اصل قلمداد می‌شود، زمان و مکان حماسه‌هایی که از اسطوره منشأ گرفته‌اند نیز نامشخص است؛ درحالی‌که زمان و مکان حماسه‌های تاریخی کاملاً شناخته شده‌اند. حماسه‌های دینی از آن جهت که شعبه‌ای از حماسه‌های تاریخی و از طرفی مابین حماسه‌های ملی و تاریخی محسوب می‌شوند، گاه همچون حمله حیدری و راجی، به یک مقطع مسلم تاریخی و جغرافیایی تعلق دارند و گاه در برخی خصوصاً خاوران‌نامه به دلیل مایه گرفتن از داستانهای عیاری سخن از مکانهایی می‌رود که بیشتر جنبه تخیلی دارد.

قهرمانان آمیزه‌ای از شخصیت‌های عینی و اسطوره‌ای اند

در حماسه‌های ملی اشخاص غالباً ابرمردانی‌اند که مظاهر قدرت، پهلوانی و فضیلت یا ضد فضیلت‌اند. در منظومه‌های دینی حمله حیدری راجی و باذل و خاوران‌نامه، شخصیت‌های اصلی پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) هستند و بقیه حول این دو محور تشخص می‌یابند. از این رو اعمال خارق‌العاده بیشتر جنبه اعتقادی داشته و حاصل کرامات و فضایل ایشان است. به عبارت دیگر مجموعه حوادث به نوعی بیان فضیلت و منقبت یا توصیف خصوصیات و حالات آنان است و جنبه‌های مبالغه‌آمیز نیز توجیه دینی و اعجازی دارد.

حماسه‌های دینی آمیزه‌ای از حماسه‌های تاریخی و اسطوره‌ای هستند. به این معنا که جایگاه قهرمانان در حماسه‌های دینی روشن است اما رفتار و کردارشان یادآور قهرمانان حماسه‌های نمادین و اسطوره‌ای است. چنانکه گفته شد می‌توان برای حماسه سه ساحت قائل

شد: حماسه اسطوره‌ای که قهرمانان در آن نمادینند. دیگر حماسه تاریخی که در آن چهره قهرمانان واقعی است و در نهایت حماسه دینی. از آنجا که در تقسیم‌بندی انواع حماسه، حماسه دینی بین دو دسته دیگر قرار می‌گیرد بنابراین این نوع حماسه آمیزه‌ای از حماسه راستین و اسطوره است. قهرمانان در این نوع حماسه حقیقی هستند و جایگاهشان روشن است اما رفتار و کردارشان یادآور قهرمانان حماسه نمادین اسطوره‌ای است. (کزازی، ۱۳۸۳: ۷)

می‌توان گفت یکی از جلوه‌های حماسی مهم این آثار به وجود شخصیت‌های برتری که به عنوان مظاهر اعلی و نموداری از کمالات انسانی مطرح می‌شود وابسته است. انسانهایی که اسوه عالم بشریت و معیار کمالات انسانی هستند. مثلاً در باب حضرت علی(ع) در خاوران‌نامه چنین آمده:

بزد نعره‌ای حیدر تیزهوش	به چرخ بلند اندر افتاد جوش
برانگیخت دلدل سپهدار دین	ز نعلش بجنبید ساحل زمین
ز خواب اندر آمد سرخفتگان	سراسیمه همچون زخود رفتگان
علی گفت مرگ تو نام من است	بدین تیغ کاندنر نیام من است
منم شاه مردان و شیرخدای	به مردی عدد بندد کشورگشای

(خاوران نامه/ص ۱۰۸)

وجود اندیشه‌های بلند و مضامین حکمت‌آمیز

بیشتر حکایات حماسه‌های دینی گویای کمال واقعی انسان به سوی تعالی و نوعی خودشناسی است:

بیا تا به چشم خرد بنگریم	که بر آفرینش به رفعت سریم
مگر کز ره دانش و رای خویش	توانیم بودن شناسای خویش
نه بر هرزه نقش تو آراستند	که از آفرینش تو را خواستند
ز هر نقش کز کلک تقدیر توست	غرض در میان نقش زیبای توست

(خاوران نامه/ص ۵۷)

هدف از این حماسه‌ها، ترسیم این نقش در لباس مدح و وصف و اغراق و تعظیم بزرگترین اسوه‌های دینی است. شاعر در این راستا خود را ملزم می‌داند در خلال بیان رخداد‌های طبیعی و توصیف صحنه‌های رزم، توجه خواننده را به آموزه‌های حکمت‌آمیز، بی‌اساسی دنیا، لزوم بی‌توجهی به جهان مادی و... منعطف ساخته و همانند استاد توس لب به پند و اندرز بگشاید:

نکو بنگر و با خرد یار شو هلا خفته‌ای زود بیدار شو (حملة باذل/ج/۱/ص/۷۸)
 بدین پند واندرز من گوش دار بزن تکیه بر دانش و هوش دار (حملة باذل/ج/۱/ص/۱۵۴)
 چنین است کار سرای کهن گهی بر فرازد گه آرد شکن (حملة باذل/ج/۲/ص/۱۳۴)

در آخرین ابیات منظومه راجی چنین می‌خوانیم:

کسی را بقای ابد یار نیست به جز خاک او را سروکار نیست
 همه هرچه هستند از خوب و زشت نباشد به جز خاکشان سرنوشت
 (حملة راجی/ص/۳۴۸)

وجود برخی عناصر و رویدادهای اسطوره‌ای

حماسه‌های دینی در میان ایرانیان از جایگاهی بینابین برخوردار است. این نوع حماسه‌ها بین حماسه‌های اسطوره‌ای و حماسه‌های تاریخی قرار دارند. چنین منظومه‌هایی به رغم اینکه حوادث تاریخی و محقق‌الوقوع را تصویر می‌کنند، همواره به دلیل اینکه شاعران، ذهنیتی ملیتی از نوع ایرانی دارند و نیز شخصیت‌های داستانهای آن بزرگانی آرمانی کامل و برخوردار از نیروها و ظرفیت‌های اعجاز و کرامت هستند، همواره به مرزهای حماسه‌های اسطوره‌ای نزدیک می‌شوند. پاره‌ای مفاهیم اسطوره‌ای و نیمه‌اسطوره‌ای که در وجدان شاعر دلدادۀ اهل بیت رسول و روح قومی او تمرکز دیرینه یافته‌اند، فضای خلوت و ساکن تاریخ را روشن می‌کنند. البته همه حماسه‌های دینی از این نظر در یک رده قرار نمی‌گیرند. بعضی همانند حملة حیدری باذل به نقل داستانها بدون دخالت روح اسطوره‌ای و افسانه‌ای می‌پردازند و برخی دیگر مانند حملة راجی، خیال را به عنوان عنصری هنرپرور وارد داستانهای واقعی می‌کنند. در این میان حماسه‌ای نظیر خاوران‌نامه نیز یافت می‌شود که تخیل و رویکرد فرازمانی و فرامکانی و فراشخصیتی آن به تاریخ، به عنوان نکته اساسی در نقل داستانها مورد توجه شاعر قرار گرفته است. به طور کلی آنچه مسلم است اینکه این منظومه‌ها صرفاً بیان حوادث بدون دخالت عنصر خیال ورزی شاعر نیستند. در این بعد خاص، می‌توان به حوادث مختلف داستانی اشاره کرد که در آن صورتی از خیال مطرح است و طرح عمده‌ای از حرکات و سکنات شخصیتها در بی‌زمان، بی‌مکانی، بی‌مرزی و زوایای مختلف انفسی صورت می‌پذیرند. در این حماسه‌ها توجه عمده شاعر به پدیده‌های مختلف از دیدگاه اعجاب و تحسین و تکریم و توصیفهای عجیب و غریب و ذکر مواردی دال بر خرق عادت و اعمالی است که اغلب در همه این مقوله‌ها جلوه‌هایی از اغراق و کرامت و اعجاز در لباس هنر دیده می‌شود. (شفیعی کدکنی ۱۳۵۸: ۱۸۱) عمده مباحث این

حماسه‌ها مربوط به جنگ‌های حضرت علی(ع) و یاران ایشان با دشمنان دین و مردم غیرمسلمان است که در خاوران‌نامه صورتی تمثیلی پیدا کرده و گاه جنبه‌های افسانه‌ای بر آن غلبه یافته است. این طرز خاص که با واقعیت و تاریخ ناسازگار است کاملاً جنبه ادبی و هنری محض دارد و بدیهی است که جلوه حماسی اثر وابسته به همین معنی یعنی دور شدن از وقایع و زمان تاریخی محض است؛ همچنین است وجود افراد ناشناخته و سرزمینهای مجعول و ساختگی که شکل و بعد اسطوره‌ای اثر را تقویت می‌نماید. در یک جمع‌بندی از این نظر خاوران‌نامه اثری است حقیقی نه واقعی، بدان معنا که هنری است برتر از واقعیت؛ حمله راجی حقیقتی است همراه با واقعیت و حمله باذل واقعی است که بیشتر آن تاریخی می‌نماید. تمام افراد حماسه‌های دینی در تاریخ ادب ایران از این سه نوع حماسه خارج نیستند.

در اینجا ذکر این نکته مناسب می‌نماید که حماسه‌های تاریخی و دینی سعی دارند قهرمانان خود را به قهرمانان اساطیری نزدیک کنند؛ حال آنکه این تلاش بخاطر تاریخی بودن شخصیتها و روشن بودن زندگانی آنها و نیز نزدیکی زمان آنان به خواننده چندان دلپذیر نمی‌افتد و گاه او را خسته می‌کند.

هدف از سرایش

در مقابل حماسه‌های ملی که هدف از آنها بیشتر طرح مسائل قومی و ملی است، هدف از بیان روایتها و نقل رخدادها در حماسه‌های دینی فراتر از آن است. در این نوع حماسه، مجموعه تلاشها در جستجوی حاکمی عادل و در جهت ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر در این نوع، هم اندیشه‌ها و هم اهداف هر دو آرمانی هستند. اگر چه می‌توان هدف از سرایش برخی حماسه‌های ملی را ترسیم جامعه‌ای آرمانی دانست اما جامعه آرمانی‌ای که شاعر حماسه دینی در جهت یادکرد آن است، جامعه‌ای مبتنی بر اجرای دین خدا و حکومت فرستادگان الهی است. به طوری که در این منظومه‌ها، مباهات بر ملیت و نژاد و هویت ایرانی نادیده انگاشته شده و تنها انگیزه‌های اعتقادی و اجتماعی شاعر را بر آن می‌دارد تا به خلق این آثار بپردازد. هدف از سرایش این گونه حماسه‌ها غالباً شخصی و اجتماعی است. برکت‌جویی و شرح مناقب بزرگان دینی را می‌توان از جمله اغراض شخصی سرایش این گونه مجموعه‌ها برشمرد. از جهت اجتماعی نیز انگیزه اصلی، مقابله‌جویی و معارضه با پیروان مذاهب دیگر و گاه یادکرد موارد عبرت‌آموز اخلاقی است.

ویژگیهای زبانی و صوری

اثرپذیری زبانی از زبان حماسه فردوسی

چنانکه می‌دانیم یکی از مهمترین شاهکارهای حماسی، شاهنامه است که خود به دلیل تقدّم زمانی موجب خلق آثار دیگری از همان نوع شده است. حماسه‌سرایانی که با نظر به شاهنامه و متون دینی به سرایش منظومه‌های حماسی دینی پرداخته‌اند همواره تحت تأثیر همه‌جانبه این اثر سترگ قرار گرفته‌اند. این تأثیر تا حدّی است که حتّی دامنه انتخاب واژگان و نحو کلام را نیز شامل می‌شود.

توجه به زبان فردوسی به عنوان زبان پیش فرض از سوی شاعرانی نظیر باذل، راجی و ابن‌حسام تا جایی است که گاه این شاعران نسبت به زمان نظم اثر دچار باستان‌گرایی و انحراف از سبک عمومی دوره خویش شده‌اند. کاربرد «مر» پیش از متمّم، دو حرف اضافه برای یک متمّم، «کجا» به معنی «که» و موارد متعدّد از قرار دادن «کهن» و «سخن» در محلّ قافیه به منزله مشتّی از خروار این اضطراب سبکی است. ابن‌حسام در ابتدای منظومه خود چنین می‌گوید:

بهاری چو باغ ارم تازه روی	چو فردوس فردوسی ازرنگ و بوی
چو فردوسی آمد دراین بوستان	بهبشتی بهبشت از پی دوستان
اگر توسی از شاهنامه سخن	به آرامش رستم افکند بن
ولی نامه من به نام علی است	می صافی من ز جام علی است

(خاوران نامه/ص ۳)

کلماتی نظیر «زین پلنگ»، «فتراک»، «هژیر» و ... که از حوزه واژگان فردوسی انتخاب شده‌اند، در این حماسه‌ها فراوان به چشم می‌خورند:

کمر بست و پوشید خفتان جنگ	چو شیر اندر آمد به زین پلنگ (خاوراننامه/ص ۱۱۲)
ببست آن دلاور هژیر ژبان	بدان خنجر آسمانی میان (خاوران نامه/ص ۷۹)

با این تفاوت که در این نوع حماسه‌ها گاه ترکیب واژگان ملّی و مذهبی، دستاوردهای نو در حوزه واژگان به بار آورده است. ترکیبهایی چون «خفتان پیغمبری» را می‌توان از آن دسته دانست:

به برکرده خفتان پیغمبری نهاده به سر مغفر حیدری (حمله راجی/ص ۲۰۴)

تأثیر عنصر نغمه حروف و ملازمت لفظ و معنی

در بسیاری از صحنه‌هایی که جلوه حماسی، فضای رزم و بزم را به ظهور می‌نشانند، شاعر به اقتضای حال و مقام به کلمات روح می‌بخشد تا هر کلمه‌ای گویای مفهومی باشد که با فضای حماسه همخوان گردد. در این میدان جلوه‌های لسانی و بیانی و آفرینش زبانی مطرح می‌شود. زبان و طرز بیان سراینده‌گان حماسه‌های دینی هوشیارتر شده و موسیقی کلام آنان هم‌نوای چک‌چک نیزه‌ها و تیغ تیز و شمشیرها می‌تواند تداعی‌کننده برخورد‌های حماسی و لحظه‌های پر تب و تاب جنگ و نزاع مرگ در زندگی باشد. از این رو عنصر نغمه حروف و ملازمت لفظ و معنا به مدد این شاعران آمده تا بتوانند با استادکاری خود از خاصیت جادوی اصوات و هجا در بیان استفاده کرده و در لباس لفظ و طرز بیان، غوغای جنگ برپا نمایند:

بگفت این وچاچی کمان رابه جنگ بمالید و بگشاد تیر و خدنگ
عقاب سه پر چون بگسترد پر به روی اندر آورد حیدر پسر
چو مرغ سه پر بر سپر برنشست خلل بر رخ ماه انور نشست

(خاوران‌نامه/ص ۱۱۸)

نوآیین نوایی ز هر گوشه خاست ز هر گوشه‌ای نغمه‌ای گشت راست (خاوران‌نامه/ص ۷۰)

سادگی و سهولت بیان

منظومه‌های دینی با برعهده داشتن رسالت تبلیغ برای عامه مردم نوشته می‌شوند. از این رو زبان آنها غالباً ساده است و سراینده می‌کوشد با وجود استفاده از مضمونهای دینی نظیر آیات و روایات، در انتخاب موضوع و نحوه بیان جانب سادگی و علاقه عمومی مردم را لحاظ نماید. زبان و بیان حیدری راجی و باذل و نیز خاوران‌نامه استوار، پخته و روان است و سراینده‌گان در محورهای عمودی و افقی غالباً دچار تنگنا و تکلف در وزن و قافیه و تعبیر نشده‌اند و بیت‌های سست و ناپخته کمتر در آنها دیده می‌شود.

وزن

سرایش غالب انواع حماسه در بحر فعولن فعولن فعولن «مقارِب» انجام گرفته است. اما با این حال دیده می‌شود، برخی از آنها در وزنهای دیگر نیز سروده شده‌اند. پاره‌ای سخنوران از هنجار اصلی حماسه دور شده و حماسه‌هایی در بحر هزج سروده‌اند که البته تعداد آنها بسیار کم است.

سه حماسه باذل، راجی و ابن‌حسام در بحر متقارب سروده شده‌اند.

حوزه واژگان این منظومه‌ها به عنوان مهمترین عنصر تداعی کننده فضای حماسه یکی از مهمترین راههای بازساخت ویژگیهای سبکی حماسه‌ها بررسی بسامدی نوع واژگان آنهاست؛ اینکه دایره معانی ضمنی این واژه‌ها خواننده را تا چه حد در فضای حماسی و میدان جنگ و نبرد قرار می‌دهد. حماسه‌های دینی، نظیر حمله باذل و راجی و منظومه ابن‌حسام از این جهت از غنای کافی برخوردارند. واژگان این منظومه‌ها غالباً دلالت بر مدلولهای عینی و حسّی دارند و از دامنه خاص معنایی حماسه انتخاب شده‌اند. این شاعران در انتخاب حوزه واژگان غالباً از حماسه‌سرای بزرگ فردوسی اثر پذیرفته‌اند. کلماتی نظیر سپنج، درفش، گرز، خفتان، جوشن، غلغل، پلنگ، شهنشاہ و... هر یک با کوله‌باری از معنای ثانویه به معنای نهایی‌ای که شاعر در پی ایجاد آن در ذهن خواننده است کمک می‌کنند.

ویژگیهای ادبی و تصویری

در حماسه‌های دینی نیز مانند دیگر حماسه‌ها و آثار ادبی آنچه متن را از روایت و نقل تاریخ صرف جدا کرده و در قلمرو آثار ادبی قرار می‌دهد، زیبایی آفرینیهاییست که شاعر از تاریخ و روایتهای تاریخی به عنوان ظرف بروز آنها استفاده کرده است. گرچه بررسی انواع و شیوه‌های به کارگیری این هنرهای ادبی در خلق تصاویر ادبی در این حماسه‌ها وسعت فراوانی می‌طلبد، لیکن سعی کردیم در این مقال به پرکاربردترین و مهمترین آنها در ایجاد تصاویر هنرمندانه - به خصوص در حماسه‌های دینی - پردازیم:

آرایه‌های ادبی

استعاره و تشبیه

درباره جایگاه استعاره در حماسه دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. برخی منتقدان معتقدند حماسه جای استعاره و حتی در مواردی تشبیه نیست (شفیعی ۱۳۵۸: ۳۸۴) اما دیدگاه دیگری استعاره را مهمترین عامل در ایجاد سطح ادبی و حماسه می‌داند. (شمیسا ۱۳۷۰: ۱۲۷) آنچه روشن است اینکه استعاره به عنوان یکی از فنون تصویر آفرین ادبی برای متون حماسی از جمله نوع دینی آن، پذیرفته و کاربرد یافته است؛ لیکن شاعران در حماسه‌های اصیل با استعاره‌های پیچیده و

غامض ذهن خواننده را از اتفاقات مهم ادبی، تاریخی و هنری باز نداشته و منحرف نکرده‌اند. چرا که در حماسه، حیات و حرکت رکن اصلی تصویرآفرینی است و هر عاملی که حرکت را دستخوش سکون نماید خواه عنصر عقلی و ذهنی باشد و خواه استعاره‌های پیچیده، با ماهیت و غرض حماسه هماهنگ نیست. غالب استعاره‌هایی که در حمله حیدری و راجی و نیز خاوران‌نامه به کار رفته‌اند گذرا، ساده و سهل‌الوصول و در بسیاری اوقات تکراری هستند.

هژی‌ران به پشت پلنگ آمدند / نهنگان به چرم پلنگ آمدند (حمله باذل/ج/۲/ص ۳۹)

راجی در توصیف صحنه ورود قاسم (ع) به میدان نبرد روز عاشورا چنین می‌گوید:

چو دل‌داده آواز آمد به گوش / ز دل زد خروش و به لب شد خموش
رها کرد از دست خندان عنان / فکند از کف خویش گریان سنان
نهان کرد شمشیر کین در غلاف / فراموش او گشت رزم و مصاف

(حمله راجی/۲۲۵)

تشبیه نیز از عناصری است که هر چند در حماسه به کار می‌رود اما در مقایسه با عناصری مانند اغراق، مبالغه و وصف که رکن اساسی تصویرسازی حماسی را تشکیل می‌دهند، جلوه‌ای کم‌رنگ‌تر دارد. (شفیعی کدکنی ۱۳۵۸: ۳۸۰). با این وجود برخی منتقدان اهمیت و نقش تشبیه در حماسه را بیش از استعاره می‌دانند (قبادی ۱۳۸۶: ۱۰۰). به هر حال تشبیهاتی که در حماسه‌های دینی به کار رفته‌اند چنانکه در خور حال و هوای حماسه است گذرا و سریع و فارغ از نیاز به تعمق به کار برده شده‌اند:

چنین دادجنگی به بانو جواب / رخ از آب دیده ورا چون سحاب
تو تا زنده بودی ایایا پیلتن / نه‌نگ بلا بودی و صف شکن
دلیری که بد نامش ابن‌خلف / خروشید چون شیر و آمد به صف

(حمله باذل/ج/۱/۱۸۴)

ز خاک آورد نقش سیمین بری / نگارد ز گل نقش مه پیکری
کجا سرو را نرگس می‌پرست / کجا ماه را چشم جادوی مست

(حمله راجی/ص ۳۱۶)

اغراق و مبالغه

عنصر اغراق از عناصر محوری و پایه‌ای تمام حماسه‌های ایرانی محسوب می‌شود. این عنصر در حماسه‌های دینی اگرچه گاه کاملاً تقلیدی است، فراوان به چشم می‌خورد:

چو آمد بدان دشتگاه نبرد فلک قیرگون دید از تیرگرد (حملة باذل/ج ۲/ص ۱۰۱)
 راجی در وصف رسیدن لشکر کفار به خندق چنین می‌گوید:
 زمین آسمان، آسمان خاک بود (حملة راجی/ص ۴۹)
 ز بانک دلیران و گرد سپاه نهان گشت در خاک خورشید و ماه (حملة راجی/ص ۱۷۹)

ضرب‌المثل

راجی و باذل به‌خصوص برای بیان اندرز و حکمت‌هایی که به پیروی از حکیم طوس در بین کلام خود می‌آورند، جهت اثرگذاری بیشتر از ضرب‌المثل بهره می‌جویند:
 چنین گفتم فرزانه هوشمند که دانا نگوید سخن ناپسند
 سخن نیک باشد ز فرزاندگی نه از تیزی و رزم و مردانگی
 از این رنج مبادماند به مشیت برآید اگر روزگار درشت
 (حملة باذل/ج ۱/ص ۶۷)

وصف

از آنجا که ترسیم حوادث و رخداد‌های میدان نبرد جزء جدایی ناپذیر حماسه به شمار می‌آید توصیف دقیق، صریح و همراه با تصویرسازی‌های هنرمندانه می‌تواند به آفرینش زیبایی خاص حماسه بیانجامد. وصف شب و روز، پهلوانان، حالات آنان، جنگ و رزم پهلوانانه و... موضوع بسیاری از توصیف‌های رایج در حماسه‌های دینی است. به عنوان مثال باذل در توصیف حضرت علی (ع) چنین می‌سراید:

همه اهل یثرب به سالار دین علی دست و بازوی جان آفرین
 شدند انجمن یکسره مرد و زن به فرمان آن صفت‌شکن رایزن
 (حملة باذل/ج ۲/ص ۷۶)

ساقی‌نامه‌ها و وجود رگه‌هایی از سبک و مضامین مکتب عراقی در آنها

باذل و راجی تحت تأثیر شاعران غزل‌سرا و عرفای قبل از خود، در ابتدای داستان‌ها و قبل از شرح وقایع و حتی گاه بین آنها به سرایش ابیاتی غنایی با مضامین عاشقانه و عارفانه پرداخته‌اند که به ساقی‌نامه شهرت یافته است. وجود چنین ساقی‌نامه‌هایی را می‌توان از ویژگی‌های بارز این نوع حماسه‌ها دانست.

به آن نام ای ساقی سیم بر بیابا آب زر ریز در جـم زر
دهی گربه آن نام صهبا به من به زرینه جام ای بت سیم تن
فرازم کله گوشه بر مهر و ماه چو سیمین عذاران زرین کلاه
مغنی ز نظم نوایی نـواز به صورت عراق و نوای حجاز

(حمله راجی/ص ۱۷۷)

به دلیل باورمندی عمیق این شاعران به مبانی و اصول مذهب و عرفان، نگاه ویژه عارفانه آنان و نیز در ذهن داشتن پیشینه ذهنی و ضمنی از مکتب عراقی و شیوه سخن‌پردازی غزل‌سرایان و عرفای صاحب سخن این سبک، در حین مطالعه حماسه‌های دینی ملاحظه می‌شود که برخی مضامین، ترکیبات و ایماژهای مکتب عراقی در شعر آنان بخصوص در ساقی‌نامه‌ها راه یافته است. وجود این انگاره‌ها و ایماژهایی ناهمخوان که به سبک عراقی تعلق دارد نشان می‌دهد که شاعر حماسه‌سرای دینی تا چه اندازه به زبان غنایی عرفای قبل از خود نزدیک شده است. به عنوان مثال نظر خواننده را به انگاره «آب آتشین» در این ابیات از راجی جلب می‌کنیم:

از آن جام من را می نـاب ده از آن می مرا آتشین آب بده (حمله راجی/ص ۱۲۶)
چو گردید باد صبا مشک بـیز بخاکم تو آن آتشین آب ریز (حمله راجی/ص ۲۳۱)

کتاب حمله راجی گاه لحن سخن‌پردازی حافظ را به یاد می‌آورد. لحنی که از نظر نحوی حماسی و از نظر محتوا و حوزه واژگانی عارفانه است:

ندانم چه در جام ما ریختند چه صاف اندرین دردی آمیختند
بده ساقی آن آتش تابناک که تا کش پدید آمد از آب و خاک
(حمله راجی/ص ۲۳۹)

در جای دیگر:

که سرمست در کوی میخانه دوش چنین گفت با می کش می فروش
دلی کان خراب از می ناب نیست مگو دل که غیر از گل و آب نیست
(حمله راجی/ص ۱۶۹)

وجود برخی عناصر و تصاویر ذهنی در کنار عناصر و تصاویر عینی

اگرچه ماهیت حماسه این است که در بیان رخدادها و ایجاد تصاویر به حوادث عینی بپردازد و از

نظر بیان و توصیف، رویکردی برون‌گرایانه داشته باشد اما در حماسه‌های دینی موجود، به دلیل نگاه انفسی همراه با آفاقی و چشم‌انداز آن جهانی، گهگاه مضمون و حوزه واژگانی زبان شعر آنها تغییر کرده و به مکتب درون‌گرایی نزدیک می‌شود و از واژگان و ترکیبات نامحسوس و عقلی بهره می‌جوید. از همین جاست که حملهٔ راجی و باذل از شاهنامه فاصله می‌گیرند چرا که در حماسه چنانکه گفتیم، تصاویر باید قاطع و مشخص باشد و بدین جهت مادی بودن اجزای تصویر امری است که مورد ملاحظه قرار می‌گیرد؛ حتی معانی انتزاعی و تجریدی باید در قالب امور مادی عرضه شود. (شفیعی کدکنی ۱۳۵۸: ۱۹۸)

در حملهٔ حیدری و راجی و نیز خاوران‌نامه عناصری از تصویر دیده می‌شود که جزئی از آن را جنبهٔ انتزاعی و تجریدی تشکیل می‌دهد:

چنین گفت دانای راز نهضت به رندان در اسرار سفت
در او نقش بیم و امید آورم در او صورت خود پدید آورم
(حمله راجی/ص ۲۷۹)

نتیجه‌گیری

۱. در بررسی سبکی یک اثر ادبی، به شیوه‌های بیان مفاهیم و ذهنیات شاعر در قالب الفاظ و تعبیرات و مختصات اثر در مقایسه با دیگر آثار پرداخته می‌شود.
۲. حماسه، روایت ادیبانهٔ عمل فوق‌العادهٔ قهرمانان در جستجوی آرمانی سترگ در ظرف سبکی فخیم است که ساختاری نمادین، پرابهام و سراسر رمز و راز دارد و با باورهای اسطوره‌ای در آن همراه است. تقسیم‌بندیهای متنوعی از انواع حماسه ارائه شده که بر طبق رایج‌ترین آن، حماسه‌های ملی - اساطیری، حماسه‌های تاریخی و حماسه‌های دینی قابل ذکرند.
۳. حماسه‌های دینی را در واقع می‌توان نوعی از حماسه‌های تاریخی به حساب آورد با این تفاوت که موضوع آن وصف دل‌و‌ریها و رشادتهای قهرمانان دینی و مذهبی است. تعداد این منظومه‌ها در ادب پارسی زیاد است و دامنهٔ تاریخی سرایش آنها از قرن پنجم هجری تا زمان معاصر را دربرمی‌گیرد. حملهٔ حیدری باذل، حملهٔ حیدری راجی و خاوران‌نامهٔ ابن حسام خوسفی از جمله معروفترین این حماسه‌ها شناخته شده‌اند.
۴. بازتاب صریح اعتقادات مذهبی، وفور اندیشه‌های حکمت‌آمیز، اشاره به آیات و روایات، نگاه اسطوره‌ای به قهرمانان و پرداختن به کرامات و بزرگواریهای شخصیت آنان، سرشار بودن آنها

از درون مایه‌هایی نظیر خواب و رؤیای صادقانه، خرق عادت، شهادت، حضور ملائکه، نیروهای غیبی و... از مهمترین ویژگیهای معنایی و محتوایی حماسه‌های دینی است.

۵. سادگی کلمات و تعبیرات، اثرپذیری از کلام و نحو شاهنامه فردوسی، سروده شدن در بحر متقارب، بهره‌گیری از حوزه واژگان فخیم و حماسی و تناسب نعمات حروف و هجاها در تداعی فضای حماسه، خصوصیات زبانی این گونه منظومه‌ها است.

۶. مهمترین آرایه‌های به کاررفته در این منظومه‌ها مانند دیگر متون حماسی اغراق، مبالغ و وصف می‌باشد. پرداختن به عناصر و تصاویر ذهنی در کنار عناصر و تصاویر عینی و آوردن اشعاری با مضامین عرفانی به روش مکتب عراقی برخلاف حماسه‌های ملی از جمله مختصات ادبی و تصویری حماسه‌های دینی می‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن حسام خوسفی بیرجندی. ۱۳۸۱. خاوران‌نامه. نگاره‌ها و تذهیب‌ها از فرهاد نقّاش. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن حسام خوسفی. ۱۳۸۲. تازیان‌نامه پارسی. خلاصه خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی. تصحیح حمیداله مرادی. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ایرانمنش، مهین. ۱۳۸۰. بررسی ویژگیهای محتوایی حماسی کتاب حمله حیدری ملابمانعلی راجی کرمانی. استاد راهنما یحیی طالبیان. دانشگاه شهید با هنر کرمان.
- بادل، محمد رفیع بن محمد المشهدی. ۱۳۶۱. کلیات حمله حیدری در مناقب علی (ع). تهران: انتشارات اسلام.
- بهار، محمدتقی. ۱۳۸۸. سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی. جلد اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات زوار.
- حسونی، فرخ لقا. ۱۳۸۷. بررسی توصیف و جنبه‌های حماسی در حمله حیدری و راجی و مقایسه با حمله بادل. استاد راهنما تقی وحیدیان کامیار. مشهد.
- دبیرنژاد، بدیع‌الله. ۱۳۸۰. «افتخارنامه‌های حیدری معرفی حماسه‌های دینی ایران». کتاب ماه هنر. شماره ۳۱ و ۳۲.
- راجی کرمانی، ملابمانعلی. ۱۳۷۹. حمله حیدری. تصحیح یحیی طالبیان و محمود مدبری. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان کرمان.
- راجی کرمانی، ملابمانعلی. ۱۳۷۰. گزیده حمله حیدری بزرگترین حماسه مذهبی. تحقیق و گزینش دکتر حسین بهزادی اندوهجردی. چاپ اول. تهران: نشر صدوق.
- ربیع. ۱۳۸۸. علی‌نامه. منظومه‌ای کهن. تهران: میراث مکتوب.
- رزمجو، حسین. ۱۳۸۱. قلمرو ادبیات حماسی ایران. جلد اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. مشهد: سخن‌گستر.
- سمیعی گیلانی، احمد. ۱۳۸۶. «مبانی سبک‌شناسی». ادب پژوهی. شماره دوم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۵۸. صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۷۹. «حماسه‌ای شیعی از قرن پنجم». مشهد. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی. سال ۳۱. شماره ۴ و ۳.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۰. انواع ادبی. تهران: باغ آینه.
- ۱۳۸۶. کلیات سبک‌شناسی. ویرایش دوم. تهران: میترا.
- صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۶۳. حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر.
- عبادیان، محمود. ۱۳۷۲. درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.
- عفیفی، رحیم. ۱۳۷۲. ارداویراف‌نامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی. تهران: انتشارات طوس.
- غیائی، محمدتقی. ۱۳۶۸. درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری. چاپ اول. تهران: شعله اندیشه.
- فضیلت، محمود. ۱۳۷۹. «سبک‌شناسی حمله حیدری ملابمانعلی راجی کرمانی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. زمستان. شماره ۱۵۶.

- قبادی، حسینعلی؛ بیرانوندی، محمد. ۱۳۸۶. آیین آینه. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دفتر نشر آثار علمی.
- کاشفی خوانساری، علی. ۱۳۷۹. «حماسه دینی در ادب فارسی». مجله موعود. شماره ۲۱ و ۲۳.
- ۱۳۸۰. «حملة حیدری، تأملی درباره داستانهای منظوم درباره مولای متقیان و معرفی یک شاعر». کتاب ماه هنر. شماره ۳۱.
- کزازی، جلال‌الدین. ۱۳۸۳. «حماسه دینی آمیزه‌ای از اسطوره و حقیقت: تحلیل میانی حماسی و ادبی واقعه کربلا در گفتگو با میرجلال‌الدین کزازی»، گفتگو کننده فرزانه ابراهیم‌زاده، ابرار. ۲۲ اسفند.
- ناظرزاده کرمانی، فرهاد. ۱۳۷۸. «حملة خوانی گونه مهمی از نقالی مذهبی در ایران»: مجله کتاب ماه هنر. شماره ۳۹.
- واعظی، مرادعلی. ۱۳۷۱. مجموعه مقالات ابن حسام خوسفی. «شعر و شاعری از زبان ابن حسام خوسفی». مجله خراسان پژوهی. شماره ۴.

